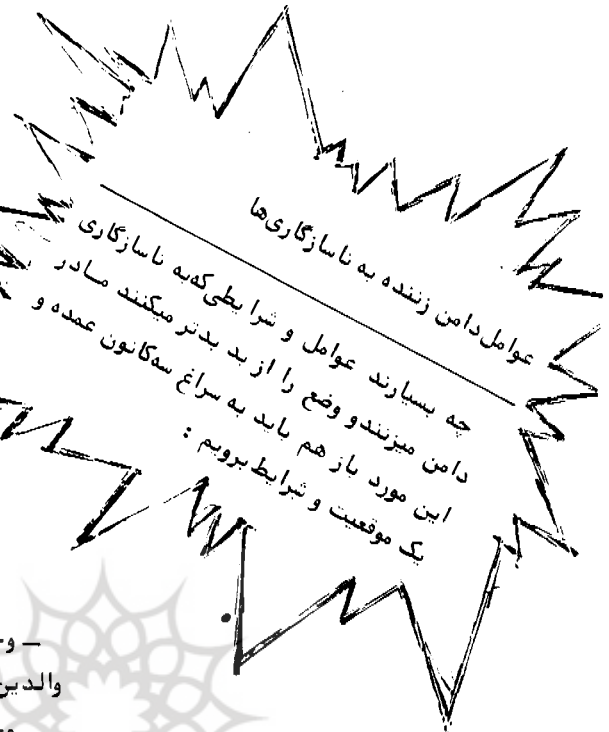


ذکر علی امیری



- وجود انضباطی ناقص در خانواده از سوی والدین مثل دادگشیدن و تنبیه کردن
- وجود انضباطی دوگانه از سوی والدین و با برادر و خواهر ارشد
- ناستواری عاطفی در خانواده
- وجود خیانت و نهبکاری توسط والدین و افراد مسلط

- وجود فقر بدون دادن عزت نفس به کودک
- صورتی که نتواند ناداری را تحمل کند
- بدگوئی‌ها و بدبینی‌های والدین نسبت به یکدیگر و به زندگی و رفتار نامعقول آنها که الگوی بدی هستند.

- ۲- مدرسه : در زمینه مدرسه هم مسائل و نکات بسیاری قابل ذکرند. کودک در محیط مدرسه تغییرات اساسی بسیاری را پذیر است. وضع برنامه و کتاب و اهداف و روش همه و همه در کودک اثر میگذارند.
- اینکه معلمان چه انضباط سالم یا ناقصی را

ناسازگاری کودکان

- ۱- خانواده : در زمینه خانواده ما نکاتی را جزو عوامل ذکر کردیم ولی حق این است که عوامل و مسائل دیگری هم در این رابطه قابل ذکرند که از جمله آنها عبارتند از :

میشود .

کودکی که در دوران اندک حیاتش شکستهای بی‌درپی را تحمل کرده، با بیماری‌ها و دردهای گوناگون مواجه بوده، شاهد از دست دادن عزیزان خود بوده و بالاخره معنی و مزه موفقیت و شادمانی را نچشیده نخواهد توانست وضعی عادی و روانی طبیعی داشته باشد. می‌خواهیم بگوئیم موفقیتها و شرایط جدید در سازش و یا عدم سازش آنها جدا " موثر است .

ضرورت و امکان اصلاح

بدلائل متعددی که درباره وضع حال و روحیه چنین کودکان گفته‌ایم وهم بخاطر زبانهای متعددی که از این طریق ممکن است متوجه خود فرد و یا دیگران گردد ضروری است برای اصلاح چنین رفتار و با درمان آن اقدام گردد .

ضرورت دیگری هم در این رابطه وجود دارد و آن اینکه ناسازگاری‌های دوران کودکی در صورت عدم درمان ممکن است به بزرگسالی کشانده شود که حتی زمینه را برای مشکلات روانی خاصی فراهم کند که این خود ضایعهای دیگر است. و ضرورت سوم آن این است که فرد برای زندگی اجتماعی ناگزیر به اتخاذ رسم و مشی درستی است. ناگزیر به سازگاری و تطابق اندیشیده با جمع است. بدون اقدامی اصلاحی در این زمینه نمی‌توان انتظاری داشت .

اما امکان اصلاح در آنان وجود دارد بدان خاطر که ناسازگاری نوعی بیماری و یا اختلالی در فکر و روان است. با تشخیص درست و به موقع چه بسیارند ناسازگاری‌هایی که قابل درمانند و چه بسیار موانعی که در سر راه رشد انسان وجود دارد و از میان رفتنی است .

درباره کودک پیاده کنند خود در شکل گیری رفتار کودک موثر است. ما قبلاً هم گفته‌ایم که ممکن است کودکی در آغاز کار فردی متعادل باشد ولی بعدها در اثر سوء تربیت در مدرسه ساز ناسازگاری در آورده. اعمال فشار معلم سبب خواهد شد که کودک شرارت‌های خود را در محیطی اعمال کند که امکان آن وجود دارد. و یا تحمیل بسیار تکالیف و اعمال فشار بصورت رودر بایستی‌ها و ملاحظات همین آثار و عوارض را در کودک پدید می‌آورد .

۳- اجتماع : ممکن است خانواده و مدرسه نیکو به وظیفه خود عمل کنند ولی بدآموزی و نابسامانی‌های موجود در اجتماع سبب ناسازگاری‌هایی گردد .

شک نیست که نقش اجتماع در خردسالان همانند تاثیر و نفوذ آن در بزرگسالان نیست ولی در عین حال امری است قابل ذکر و توجه. کودک در آمد و شد در خانه و بیرون، دیدار رفتار دوستان و بستگان و آشنایان، تماشای آنچه در اجتماع می‌گذرد، درس‌هایی می‌آموزد که در زندگی و روش کار او تاثیر بسیار دارند .

دیدن بی‌عدالتی در جامعه، مشاهده تبعیض و ستمکاری از بقال و عطار و نانوا، اجتماع ملاحظه اعمال زور و ستم مثلاً " از پلیس او را برای ناسازگاری درسی بس بدآموز است .

۴- موقعیت و شرایط شخصی : و بالاخره باید از موقعیت و شرایط شخصی آنها بحث کرد. گاهی در کودکی زمینه‌ای نامناسب وجود دارد که دیدن صحنه‌ای او را بحرکت و تلاش و امیدارد بعبارت دیگران بار باروتی در اندرون او موجود است و ملاحظه امری همانند نقش کبریت در آن انبار

شیر مصنوعی ، بیماریهای دوران کودکی ، وضع فرهنگی و انضباطی خانواده ، جنبه فقر و ثروت والدین ، میزان وقت گذاری والدین درباره فرزندان ، حدود مهر و محبت و آزادی‌های اعطائی به کودک همه و همه در طفل و سازگاری او موثرند .

این موارد و دیگر مواردی که صورت تخصصی دارد و در روانشناسی بالینی مورد بحث و بررسی هستند باید شناخته شوند و در تربیت ملحوظ باشند . البته والدین و مربیان میتوانند با اتکالی به حافظه با مطالعه اسناد موجود از دفتر چه بیمه و نسخه‌ها و بایریش از آنها که اطلاعاتی دارند آگاهیهای لازم را بدست آورند و چنین اطلاعات ضروری تصمیم گیری هاست .

۲- معاینات پزشکی :

در مواردی که شرارت‌ها و ناسازگاریها بصورت غیر قابل تحملی در آید میتوان به پزشکی مراجعه کرد و از او استمداد نمود . ریشه برخی از ناسامانیهای رفتاری را میتوان در جنبه‌های مربوط به زیست و بدن پیدا کرد . ناراحتی‌های عصبی ، وضع ترشح غدد ، اختلالات معدی وجود دردهای مبهم در بدن ، وجود انگل‌ها در کودکان و ... خود زمینه و موجبی را برای ناسازگاری‌ها فراهم می‌آورند و باید در این رابطه نیز اقداماتی بعمل آید .

۳- معاینات روانی و هوشی :

در مواردی باید از معاینات روانی ، عقلی و ذهنی کودکان اطلاعات لازم را بدست آورد بدان خاطر کودکان ناسازگار از یک دیدمیتوانند در یکی از دو قطب هوشی باشند :

باهمه مشکلات رفتاری که والدین در رابطه با فرزندان دارند باید گفت آنها از بین رفتنی هستند ، بشرطی که بموقع درباره آنها اقدام گردد و والدین و مربیان هشیاری‌هایی بموقع داشته باشند .

اقدامات لازم

اما اینکه در طریق اصلاح آنها چه اقداماتی باید صورت گیرد پاسخ این است که لافل در این زمینه‌ها باید تلاش بعمل آید تا نخست شناختی از کودک و ناسازگاری او و هم‌درجه ناسازگاری و شرارت او مشخص گردد .

تشخیص و شناخت درست نیمی از درمان است و حتی فایده آن اینست که به موقع میتوان درباره فرد تصمیم مقتضی اتخاذ کرد . البته از نظر علمی شناخت علت و یا عامل این امر حتی از نظر پزشکی و روانپزشکی کمی دشوار است ولی این امر تنها راه و مهمترین گام برای تصمیمگیری است . اما آن اقدامات :

۱- بررسی سوابق پیرونده‌ای : غرض این است مطالعه‌ای درباره حیات کودک از دوران تکون جنین تا حال باید بعمل آید زیرا شرایط و مقتضیات محیطی که کودک در آن پرورش یافته در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاقی و رفتاری کودک موثر است .

دوران حیات رحمی کودک ، وضع غذا و دوا و استراحت مادر ، وجود بیماری‌های مزمن ناشی از وراثت ، وضع تولد و زایمان ، کیفیت تغذیه کودک پس از ولادت ، اینکه از شیر مادر بوده یا

نظر در کلاس درس برای آنها در درس می‌آفرینند شلوغ می‌کنند ، مزاحمت پدید می‌آورند .
غرض این است که مطالعات روانی در این زمینه نقشی فوق‌العاده دارند و نشان میدهند که ریشه نابسامانیهای رفتاری و اخلاقی کودک چیست و چگونه باید در برابر او موضع گرفت .

اصول کلی در درمان

در درمان کودکان ناسازگار و اصلاح رفتار آنها اصول و شیوه‌هایی است که اهم آنها بدین قرارند - توجه به موجبات و عواملی که در خانه یا مدرسه پدید آمده و زمینه را برای ناسازگاری ها فراهم می‌آورند .

- کوشش به از بین بردن و ریشه‌کن کردن علتها تا ریشه آن بخشکد و از پدید آمدن معلولهای دیگر جلوگیری شود .

- از بین بردن موانع و مشکلاتی که در سر راه رشد و تصمیم گیری هاست ، تا اقدامات صورت فاطمی داشته باشد .

- تحقق خواسته‌ها و نیازها و آرزوها تا حدود امکان و مشروع تا امکان تعادل در رفتار باشد .

- بکار انداختن قدرت تفکر و تصمیم و اراده در کودک تا خود هم بتواند در راه عادی کردن رفتار خود همگام شود .

- رعایت ضوابط شرع و اخلاق و آداب و رسوم بگونه‌ای که هر چیز به بهای هر چیز بدست نیاید .

- مراقبت در این امر که در اصلاح و بازسازی کودک خطائی جدید صورت نگیرد و وضع را از بد بدتر نکند .



الف- در قطب منفی یعنی افرادی باشند که از لحاظ هوشی در سطح نازلی هستند و امکان تطابق شان با محیط و جامعه وجود دارد . کودک ناسازگار است بدان خاطر که عقلش و یا هوشش کافی نیست و نمی‌تواند رفتاری مناسب داشته باشد .

ب- در قطب مثبت ، کودکانی هستند که درجه هوشی شان بالا و در سطح برتری است . آنها نمی‌توانند نادانی‌ها و کم خردی‌های اولیای خود را تحمل کنند و در نتیجه سراز ناسازگاری- هائی در می‌آورند . ماکودگان پرهوشی را می‌شناسیم که در مدرسه و کلاس درسند و نمی‌توانند معلمان کم هوش خود را تحمل کنند بدین

